



یادداشت‌های قرآنی

دکتر فریدون سیامکنزاد

راه خود سازند، مأیوس و ناامید شده و به پیروان خود گفتند که بروید و خدایان تان را محکم بچسبید و ایستادگی و استقامت به خرج دهید که هدف محمد (ص) این است که جامعه ما را به فساد و تباهی کشد و نعمت‌های خدا را به خاطر پشت کردن به بت‌ها از ما قطع کند و خود بر ما ریاست نماید!

واقعیت مسأله این است که سرکردگان کفر و الحاد و سران قوم گمراه، همیشه این گونه عنوان می‌کردند که بهتر است مردم محکم بر آیین خود بایستند و تحلیل در باره این توطئه را به ما سران قوم واگذارند! این چیزی است که سردمداران باطل همیشه برای خاموش کردن صدای رهروان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَ انْطَلِقُ الْمَلَائِكَةُ مِنْهُمُ انْ امْشُوا وَ اصْبِرُوا عَلٰى
الِهْتِكُمْ اِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ (آیه ۶ سوره ص)
سرکردگان آن‌ها بیرون آمدند و گفتند:
بروید و خدایان تان را محکم بچسبید، این
چیزی است که خواسته‌اند (شما را گمراه کنند).

یادآوری

در آیه قبل به این مسأله اشاره کردیم که افراد مغرور و خودخواه، چیزی غیر از آنچه را که با افکار محدود و ناقص‌شان درک کرده‌اند، قبول نداشته و به آن باور ندارند. این افراد وقتی نتوانستند در برابر دعوت پیامبر اسلام (ص) ایستادگی کنند و به خیال خام خود، او را هم

راه حق مطرح می‌کرده و آن را توطئه می‌نامیدند، توطئه‌ای که باید سیاستمداران آن را به دقت تحلیل کرده و برای مبارزه با آن برنامه تنظیم کنند اما توده مردم باید بی‌اعتنا از کنار آن بگذرند و به آنچه در دست دارند، سخت بچسبند!

کلام آخر این که، سران بت‌پرستان با این سخن‌ها که خدایان تان را محکم بچسبید، در واقع می‌خواستند روحیه متزلزل پیروان خود را تقویت کنند و از سقوط هر چه بیشتر اعتقاداتشان جلوگیری به عمل آورند! علی‌رغم همه این مسایل، تاریخ ثابت کرده است که این تلاش‌ها راه به جایی نبرده، سرانجام مردم واقعیت را درک کرده و خودشان تصمیم درست و منطقی را خواهند گرفت (یک شنبه ۹۹/۶/۲۳).

این افراد به خصوص سرکردگان آن‌ها برای اغفال مردم و یا قانع ساختن خویش گفتند: که چنین چیزی را از پدران خود نشنیده‌ایم. اگر ادعای توحید و نفی بت‌ها واقعیت داشت، باید پدران ما با آن عظمت و شخصیت! آن را درک کرده باشند و ما از آن‌ها شنیده باشیم، اما این یک گفتار دروغین و بی‌سابقه است!

استدلال آن‌ها بر گفته‌های گذشتگان خود، به این واسطه است که لحن قرآن مجید در آیات مختلف دیگر نشان می‌دهد که عرب جاهلی، تکیه بر کتب یهود و نصارا نداشت، بلکه تمام تکیه گاهش، سنت و آیین نیاکان و پدران بود.

کلام آخر این که، این طرز برخورد با مسایل تازه و ابتکارات جدید، ضایعات بزرگی برای جوامع انسانی و برای جهان علم و دانش داشته و دارد و باید علاقمندان دل‌سوز برای اصلاح آن بکوشند و این رسوبات جاهلی را از افکار بزدایند. اما این سخن به آن معنی نیست که هر مطلب تازه‌ای را به خاطر تازه بودنش مورد استقبال قرار دهیم، هر چند

بهمان جویی‌های مشرکین خود خواه و مستکبرین مغرور و از خود راضی، به اشکال مختلف در برابر رسالت پیامبر اسلام (ص) بروز و ظهور یافته و به انحاء گوناگون، سد راه هدایت الهی رسول خدا می‌گردید.

بعد از این که آن‌ها پیامبری از میان مردم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمَلَأَةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ (آیه ۷ سوره ص)

ما هرگز چنین چیزی در آیین واپسین نشنیده‌ایم. این تنها یک آیین ساختگی است.

یادآوری

بهمان جویی‌های مشرکین خود خواه و مستکبرین مغرور و از خود راضی، به اشکال مختلف در برابر رسالت پیامبر اسلام (ص) بروز و ظهور یافته و به انحاء گوناگون، سد راه هدایت الهی رسول خدا می‌گردید.

به کسی واگذار شود، روح حسادت شعله‌ور می‌گردد و می‌گویند آدم پیدا نمی‌شد که این کار به فلان کس که از خانواده گمنام و فقیری است، واگذار شده است؟

آری! دنیا پرستی از یک سو و حسد از سوی دیگر، سبب شد که اهل کتاب (یهود و نصارا) که قدر مشترکی با مسلمانان داشتند، از اسلام و قرآن فاصله گیرند و به سراغ بت‌پرستان روند و بگویند راه شما بهتر از راه این‌ها است!

بدیهی است این تعجب‌ها و انکارها که علاوه بر حسد و حب دنیا، سرچشمه دیگری، یعنی اشتباه در تشخیص ارزش‌ها داشت، هرگز نمی‌توانست معیار منطقی برای قضاوت باشد. مگر شخصیت انسان در اسم و آوازه و پول و مقام و سن و سال او است؟ مگر رحمت الهی بر این معیارها تقسیم می‌شود؟ لذا در دنباله آیه می‌فرماید که درد آن‌ها چیز دیگری است. آن‌ها در حقیقت در اصل وحی و ذکر من تردید دارند.

ایراد به شخص محمد (ص) بهانه‌ای بیش نیست. شک و تردید آن‌ها در مسأله، نه به خاطر وجود ابهام در قرآن مجید است، بلکه سرچشمه آن، هوی و هوس‌ها و حب دنیا و حسادت‌ها است.

سرانجام آن‌ها را با این جمله تهدید می‌کند که آن‌ها هنوز عذاب الهی را نچشیده‌اند، که این گونه جسورانه در برابر فرستاده خدا ایستاده‌اند و با این سخنان واهی، به جنگ در برابر وحی الهی برخاسته‌اند.

بی‌پایه و اساس باشد، زیرا تازه زدگی مانند عشق به کهنه‌ها خود بالای بزرگی است. در صورتی که اسلام افراط و تفریط را جایز ندانسته، اعتدال را ترویج می‌کند (دوشنبه ۹۹/۶/۲۴).

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَنْزَلَ عَلَیْهِ الذِّكْرَ مِنْ بَیْنِنَا بَلْ هُمْ
فِیْ شَكِّ مِنْ ذِکْرِیْ بَلْ لَمَّا یَذُوْقُوْا عَذَابِ
(آیه ۸ سوره ص)

آیا از میان همه ما، قرآن تنها بر او (محمد) نازل شده؟! آن‌ها در حقیقت در اصل وحی من تردید دارند، بلکه آنان هنوز عذاب الهی را نچشیده‌اند که این چنین گستاخانه سخن می‌گویند.

یادآوری

مشرکان مکه هنگامی که منافع نامشروع خود را در خطر دیدند و آتش کینه و حسد در دل آن‌ها شعله ور شد، برای اغفال مردم و قانع کردن خویش در مورد مخالفت با پیامبر اسلام (ص)، به منطق‌های سست گوناگونی دست می‌زدند. از جمله از روی تعجب و انکار می‌گفتند: آیا از میان همه ما، قرآن تنها بر محمد (ص) نازل شده است؟!

از میان این همه پیر مردان پُر سن و سال، این همه پول داران ثروتمند و سرشناس، آیا کسی پیدا نشد که خدا قرآن خود را بر او نازل کند، جز محمد یتیم و تهی‌دست؟! این منطق منحصر به آن زمان نبود، بلکه در عصر و زمان ما نیز، هر گاه مسوولیت مهمی

مقام ربوبیت نیز چنین است که هر چه را بخواهد و به هر کس صلاح بداند، می‌بخشد. واقعیت مسأله این است که «وهاب» صیغه مبالغه است و به معنی بسیار بخشنده می‌باشد. بنابراین، اشاره به این دارد که نبوت تنها یک موهبت نیست، بلکه موهبت‌های متعددی است که دست به دست هم می‌دهد تا کسی بتواند عهده‌دار آن منصب گردد. در حقیقت موهبت علم و تقوا و عصمت و شجاعت و شهامت را با هم دارد.

نظیر این سخن را در آیه ۳۱ سوره زخرف نیز می‌خوانیم: آن‌ها به خاطر نزول قرآن بر تو ایراد می‌گیرند. مگر رحمت پروردگار تو به دست آن‌ها تقسیم می‌شود؟

ضمناً از تعبیر به «رحمت» به خوبی استفاده می‌شود که نبوت، رحمت و لطف خدا بر جهان انسانیت است. به راستی که چنین است. چرا که اگر انبیاء نبودند، انسان‌ها، هم راه آخرت و معنویت را گم می‌کردند و هم راه دنیا را، چنان که دورافتادگان از مکتب انبیاء، هر دو راه را گم کرده‌اند.

از خداوند می‌خواهیم که به ما توفیق دهد تا از راه راست منحرف نشویم. از درگاهش مسئلت می‌نماییم که مصلحان و رهبران جامعه را طوری هدایت فرماید که در گفتار و کردار خویش، مروج دین‌داری واقعی و قلبی بوده، اجتماع و مردم را به رعایت اصول اخلاقی، تشویق و ترغیب نمایند (چهارشنبه ۹۹/۶/۲۶).

ایام‌تان به کام، عاقبت‌تان ختم به خیر.

التماس دعا.

آری! همیشه گروهی وجود دارند که گوش‌شان بدهکار منطق و حرف حساب نیست و چیزی جز تازیانه‌های عذاب، آنان را از مرکب غرورشان پیاده نمی‌کند. باید مجازات شوند، که درمان‌شان تنها عذاب الهی است (سه شنبه ۹۹/۶/۲۵).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ
الْوَهَّابِ (آیه ۹ سوره ص)

مگر خزاین رحمت پروردگار توانا و بخشنده‌هاست (تا به هر کس میل دارند بدهند)؟! نزد آن‌هاست

یادآوری

شکل دیگری از پاسخ قرآن مجید به انکار کنندگان وحی الهی و کسانی که در برابر رسالت پیامبر اسلام (ص) ایستاده‌اند، در آیه فوق مشاهده می‌کنیم، که در پاسخ آن‌ها پیرامون مسائلی که در آیات قبل اشاره کردیم چنین می‌فرماید که راستی مگر خزائن رحمت پروردگار قادر و بخشنده تو نزد آن‌ها است، تا هر که را میل دارند فرمان نبوت بدهند و هر کس را مایل نیستند، محروم سازند؟

خداوند به مقتضای این که پروردگار و مالک و مربی عالم هستی و جهان انسانیت است، کسی را برای رسالتش برمی‌گزیند که بتواند مردم را در مسیر تکامل و تربیت رهبری کند و به مقتضای استوار بودنش مغلوب خواسته هیچ‌کس نشود، تا مقام رسالت را به فرد نالایقی واگذارد.

اصولاً مقام نبوت، مقامی بس عظیم است که تنها خدا قدرت دارد آن را به کسی بدهد.